

متن کامل

مناجات امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد

کوفه

به همراه ترجمه فارسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

الهی، من از تو امان می خواهم در آن روزی که نه

مال سودی بخشد و نه فرزندان

إِلَّا مَنْ أَتَى اللّٰهَ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ

مگر آن افرادی که در پیشگاه خدا با دل پاک و

قلب سالم [و خالص از غیر او] وارد شوند

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ

و از تو امان می خواهم در آن روز که ستمگر به

شدت دست خود را [از پیشانی] به دندان بگزد

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً

و بگوید: ای کاش با پیامبر راهی برقرار نموده

بودم

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ

و از تو امان می خواهم در آن روز که مجرمان با

چهره‌هایشان شناخته می شوند

فِيؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ

آنگاه از موی پیشانی و از پایشان بگیرند [و بر

آنان راه فراری نباشد]

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَكْدِهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که نه پدری

عهده‌دار امری از فرزندش گردد

وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا

و نه فرزندی چیزی را از پدرش عهده‌دار گردد

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

بی‌شک وعده خداوند حق است

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که عذرخواهی

ستمگران آنان را سودی نبخشد

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

و بر ایشان دورباش زده شود، و برای آنان است

منزلگاه بد

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا

و از تو امان می‌خواهم در آن روز که هیچ جانی،

قدرت و اختیاری نسبت به دیگری ندارد

وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

و در آن روز حکم و فرمان مختصّ الله است

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ

و از تو امان می‌طلبم در روزی که انسان از

برادرش فرار می‌کند

وَ أُمَّهُ وَ أَبِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَنِيهِ

و از مادر و پدرش، و از همسر و فرزندانش نیز

می‌گریزد

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ

برای هرکس در آن روز گرفتاری‌ای هست که به

او مجالی نمی‌دهد

وَ أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ

عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ

و از تو امان می‌خواهم در آن روزی که جنایتکار

آرزو کند که برای رهایی از عذاب آن روز، فرزندان

خود را فدا کند

وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ

و هم همسر و برادرش را و هم خویشانش را که

او را پناه می‌دادند

وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ثُمَّ يُنْجِيهِ

و هم تمام اهل زمین را فدیة دهد تا شاید که

نجات یابد!

كَلَّا إِنَّهَا لَظَى نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى

هرگز! همانا آتش شعله‌ور است، که جوارح را

بسوزاند و پوستش را بر کند

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَ أَنَا الْعَبْدُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو مولا و سروری، و

من بنده‌ام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى

و آیا بر بنده کسی جز مولا ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَ أَنَا الْمَمْلُوكُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو صاحب اختیار

وجود منی، و من در اختیار توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ

و آیا بر بنده مملوک کسی جز صاحب اختیار او

ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَ أَنَا الذَّلِيلُ

آقای من! ای آقای من! عزیز و با اقتدار، تنها

تویی، و من ذلیل و خوارم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ

و آیا بر بنده خوار، کسی جز عزیز با اقتدار ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ

آقای من! ای آقای من! خالق و آفریننده فقط

تویی، و من آفریده تو

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ

و آیا بر آفریده، کسی جز آفریننده اش ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَ أَنَا الْحَقِيرُ

آقای من! ای آقای من! باعظمت تنها تویی، و من

ناچیز هستم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ

و آیا بر بنده ناچیز کسی جز پروردگار باعظمت

رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَ أَنَا الضَّعِيفُ

آقای من! ای آقای من! توانا تنها تویی، و من

ناتوانم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ

و در حق ضعیفی ناتوان غیر از توانمند چه کسی

ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَ أَنَا الْفَقِيرُ

آقای من! ای آقای من! بی نیاز فقط تو هستی، و

من نیازمندم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ

و آیا بر نیازمند، کسی جز بی نیاز مطلق ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعْطِي وَ أَنَا السَّائِلُ

آقای من! ای آقای من! بخشنده فقط تویی، و من

در خواست کننده از درگاه توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطِي

و آیا در حق سائل کسی جز بخشنده مطلق ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْحَيُّ وَ أَنَا الْمَيِّتُ

آقای من! ای آقای من! زنده جاوید تنها تویی، و

من مرده بی جانم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ

و آیا در حق مرده‌ای بی جان جز زنده جاوید

ترحم خواهد نمود؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَ أَنَا الْفَانِي

آقای من! ای آقای من! فقط تو پاینده هستی و

من ناپایدارم

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي

و نابودشدنی را چه کسی جز وجود پاینده ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ

آقای من! ای آقای من! جاوید و پایدار تنها

تویی، و من از بین رونده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ

و آیا در حقّ موجودی زوال‌پذیر جز وجود پایدار

رحم آرد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو روزی‌دهنده

هستی و من روزی‌طلب

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ

و آیا بر روزی‌طلبان جز روزی‌دهنده ترحّم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِيلُ

آقای من! ای آقای من! سخاوتمند، تنها تویی و

منم تنگ‌نظر

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ

و آیا در حقّ شخص تنگ‌نظر، کسی جز

سخاوتمند رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعَافِي وَ أَنَا الْمُبْتَلَى

آقای من! ای آقای من! تنها عافیت‌بخش تویی،

و من گرفتار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمُعَافِي

و آیا بر گرفتار جز عافیت‌بخش ترحّم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ وَ أَنَا الصَّغِيرُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو بزرگ هستی، و

من کوچک و ناچیز

وَ هَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ

و آیا بر کوچک جز بزرگ رحم آورد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْهَادِي وَ أَنَا الضَّالُّ

آقای من! ای آقای من! تنها هدایتگر تویی و من

بندۀ گمراه

وَ هَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي

و آیا در حقّ بندهای گمراه جز هدایتگر ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ

آقای من! ای آقای من! تنها رحم کننده تویی و

منم بندۀ بخشوده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ

و آیا بر قابل بخشش کسی جز بخشاینده ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُتَحَنُّ

آقای من! ای آقای من! پادشاه مطلق تنها تویی،

و من بندۀ امتحان شده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَنَّ إِلَّا السُّلْطَانُ

و آیا بر بندۀ مورد امتحان جز فرمانروای عالم

رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّلِيلُ وَ أَنَا الْمُتَحَيِّرُ

آقای من! ای آقای من! رهنما تنها تویی، و من

سرگشته‌ام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلُ

و آیا بر سرگشته جز رهنما ترحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمُذْنِبُ

آقای من! ای آقای من! تویی تنها آمرزنده و من

گناه کار

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ

و آیا بر گناه کار جز آمرزنده رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ

آقای من! ای آقای من! فقط تو چیره و پیروز

هستی، و منم شکست خورده

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ

و آیا بر شکست خورده ناتوان جز چیره توانمند

رحم آورد؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ

آقای من! ای آقای من! تنها تو پروردگاری و من

پرورش یافته توام

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ

و آیا در حق پرورش یافته جز پروردگارش ترحم

کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ

آقای من! ای آقای من! بزرگ منم فقط تو

هستی، و من بنده فروتن

وَ هَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ

و آیا بر بنده خاکسار و فروتن جز خداوند باکبریا

و بزرگ منش رحم کند؟

مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ اَرْحَمَنِي بِرَحْمَتِكَ

آقای من! ای آقای من! با رحمت بی انتهایت بر

من ترحم کن

وَ اَرْضَ عَنِّي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ

و باوجود و کرمت از من راضی و خشنود شو

يَا ذَا الْجُودِ وَ الْاِحْسَانِ وَ الطَّوْلِ وَ الْاِمْتِنَانِ

ای خدای دارای احسان و بخشش، و فضل و

نعمت

بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به حق رحمتت، ای مهربانترین مهربانان